

با اندیشمندان حسابداری جهان آشنا شویم

لئونارد پل اسپاچک (۱۹۸۳-۱۹۰۷)

مدیر موسسه آرتور آندرسن

گردآوری و ترجمه: بتول زارعی



پیوست. در سال ۱۹۳۴ مدیر شرکت و در سال ۱۹۴۰ شریک آن شد و در همان سال نیز جزء حسابداران رسمی گردید. در سال ۱۹۴۷ به عنوان دومین مدیر شریک پس از مرگ آرتور آندرسن انتخاب شد و تا سال

۱۹۶۳ که به عنوان رئیس هیئت مدیره مؤسسه انتخاب شد این سمت را حفظ کرد. در سال ۱۹۷۰ به عنوان شریک ارشد انتخاب شد و تا زمان بازنشستگی در ۱۹۷۳ این پست را داشت.

لئونارد پل اسپاچک متخصص در حسابداری، که مردی انعطاف‌ناپذیر و صریح‌اللهجه بود، پس از مرگ آرتور آندرسن در ۱۹۴۷ مدیر مؤسسه شد. در حقیقت شرکا پس از مرگ آرتور آندرسن رای به انحلال مؤسسه داده بودند، زیرا میان آنها در شیکاگو و نیویورک اختلاف‌نظرهای اساسی وجود داشت. پسر

شبانه خود را در دانشکده کو (Coe) در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ و دانشگاه شیکاگو را در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲ ادامه داد ولی موفق به اخذ مدرک نشد. اسپاچک در سال ۱۹۶۲ درجه دکترای افتخاری رشته حقوق را از دانشگاه کوا و دکترای افتخاری رشته انسانی را از دانشکده ملی آموزش (۱۹۶۷) و دانشگاه نورت وسترن در سال ۱۹۷۸ دریافت داشت.

در سال ۱۹۲۸ او به حساب‌رسان مؤسسه آرتور آندرسن و شرکا (Arthur Andersen & Co.) در دفتر شیکاگو

لئونارد پل اسپاچک (Leonard Paul Spacek) فرزند لئوپولد پال (Leopold Paul) و اما سیکا (Emma Cejka) در دوازدهم سپتامبر ۱۹۰۷ در سدار راپیدز (Cedar Rapids آیووا Iowa)

در خانواده‌ای فقیر متولد شد. او از سنین پایین شروع به کار کرد. در سال ۱۹۲۴، در سن هفده سالگی و قبل از پایان دبیرستان در بخش حسابداری شرکت آیووا الکتریک لایت اند پاور (Iowa Electric Light and Power) مشغول به کار شد. اسپاچک دبیرستان را در دوره شبانه به پایان رساند و سپس از طریق مکاتبه‌ای به تحصیل در رشته حسابداری پرداخت و سرانجام در سال ۱۹۴۰ دانشگاه ایلینویز (Illinois) سابقه تحصیلات او را برای شرکت در آزمون حسابداری رسمی پذیرفت. او تحصیلات

آندرسن به‌عنوان جانشین پدرش پذیرفتنی نبود و خرید ۵۰ درصد مؤسسه از ورثه او کارمشکلی بود چراکه بیش از ۱/۷ میلیون دلار در آن زمان ارزش داشت.

در این شرایط اسپاچک به مدیریت انتخاب شد. او در روند احیا و بازسازی مؤسسه آرتور آندرسن، آن را به‌میزان زیادی تغییر داد و تثبیت کرد. یکی از اولین اقدام‌های او در جهت شکلگیری مجدد مؤسسه آرتور آندرسن، تغییر در بخشی بود که آن زمان بخش خدمات اداری نامیده می‌شد (حسابداری که مشتریان را در مسیر ارتقای سیستم‌های تجاریشان کمک می‌کردند). در آن روزها سیستم‌های ابتدایی اطلاعات مکانیزه منحصر به تجهیزاتی بود که با کارت منگنه کار می‌کرد و اسپاچک بود که در برابر کارخانه‌های پیشرو کامپیوتری در کشور پافشاری کرد و اصرار داشت که کامپیوترهای الکترونیکی در تجارت و اقتصاد قابلیت استفاده دارند. او شخصاً افرادی را که در طی جنگ جهانی دوم با کامپیوتر آشنا شده بودند، استخدام کرد و از آنها خواست که کامپیوتر را جهت استفاده در تجارت به‌کار بگیرند. از اقدامات دیگر او، توسعه‌دادن مؤسسه به‌داخل اروپا، آمریکای لاتین و در نهایت مابقی جهان با ایجاد یک ساختار سازمانی جدید بود. سایر مؤسسه‌ها، بخصوص آنهایی که بدو در انگلستان و اسکاتلند تاسیس شده بودند، شبکه‌های بین‌المللی از شرکتهای ملی دیگر به‌وجود آورده بودند که طبق قرارداد فعالیت‌های محلی آنها را انجام می‌دادند، در حالی که متعلق به مؤسسه اصلی نبودند. اسپاچک معتقد بود که این شبکه‌ها فاقد مفهوم سازمانی‌اند و چیزی بیش‌تر از یک نمایندگی نیستند. او اعتقاد داشت که تنها راه کنترل کیفیت کارهای انجام شده مشتریان مؤسسه در خارج از ایالات متحد، کنترل مؤسسه‌های ارائه‌کننده خدمات است؛ بنابراین ارتباطات برقرار شده میان مؤسسه‌های مختلف غیرآمریکایی را لغو کرد و دفترهایی از

به‌اعتقاد اسپاچک، کیفیت خدمات ارائه شده به مشتریان نیازمند کاربرد اصول حسابداری بود و اساس کار را اصل پایه‌ای «مطلوبیت» برای تمام استفاده‌کنندگان از جمله: کارکنان، مدیریت، مشتریان، سرمایه‌گذاران و در سطح کلان عموم مردم، می‌دانست

اندازه در میان مؤسسه‌های حرفه‌ای آمریکا، در فهرست ۸ مؤسسه بزرگ حسابرسی آمریکا قرار گیرد.

به‌اعتقاد اسپاچک، کیفیت خدمات ارائه شده به مشتریان نیازمند کاربرد اصول حسابداری بود و اساس کار را اصل پایه‌ای «مطلوبیت» برای تمام استفاده‌کنندگان از جمله: کارکنان، مدیریت، مشتریان، سرمایه‌گذاران و در سطح کلان عموم مردم، می‌دانست. او در سال ۱۹۵۷ یک دادگاه حسابداری را تصویر کرد و در واقع آن را تریبونی آزاد به‌منظور بحث و صحبت دربارهٔ مسئله مطلوب بودن یا نبودن اصول حسابداری در نظر گرفت که در آن تصمیم‌های نهایی به‌وسیلهٔ قاضی گرفته می‌شد. این ایده از اواسط دهه ۳۰، زمانی که او برای اولین بار عضو هیئت منصفه دادگاه شد در ذهنش شکل گرفت. او در آن زمان با نگرانی از اینکه نداشتن تحصیلات دانشگاهی ممکن است بر عملکرد دادگاه تاثیر منفی داشته باشد، مجموعه‌ای کامل از صورت جلسه‌های دادگاه عالی ایالات متحد را خرید و شروع به‌مطالعه کرد. چنین بود که او متقاعد شد اصول حسابداری نیز می‌تواند به‌همان روش‌های استدلالی که وکلا در دادگاه دنبال می‌کنند، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

اسپاچک از طریق سخنرانی‌هایی که مطلوب مطبوعات بود به‌ترویج و تبلیغ اصلاحات حسابداری پرداخت. او با زبان مورد علاقه مطبوعات و شیوهٔ تمثیل، سخن خود را به‌عموم می‌رساند. در میان موضوع‌های متعددی که او دنبال می‌کرد حسابداری خطوط آهن، تعدیلات سطح قیمت‌ها و تامین مالی خارج از ترازنامه را می‌توان نام برد. در سال ۱۹۵۷ انتقاد شدید او از عدم تمایل کمیسیون بازرگانی بین ایالات آمریکا (ICC) به مجاز شمردن شرکتهای خط آهن در مورد گزارش کردن استهلاک خطوط و مالیات‌های معوق و این اظهارات که کمیته تدوین رویه‌های حسابداری (CAP) کمیسیون را وادار به این فشار کرده است، شانس او را در عضویت انجمن

مؤسسه آرتور آندرسن در جاهای مورد نیاز تاسیس کرد. تا امروز، مؤسسه‌های بین‌المللی بزرگ با شبکه‌های بین‌المللی از مؤسسه‌های وابسته فعالیت می‌کنند، در حالی که سازمان جهانی آرتور آندرسن شبکه کاملاً منسجمی را تشکیل داده بود. تا زمان بازنشستگی اسپاچک در ۱۹۷۳، مؤسسه رشد درخور توجهی یافت به‌طوری‌که توانست از رتبه بیستم از نظر

بسیاری از مقالات و سخنرانیهای او در ارتباط با نیاز حرفه حسابداری به تعریف هدفهای حسابداری بود. وی این هدفها را مبنایی برای حل تک تک مشکلات می دانست

حسابداران رسمی امریکا (AICPA) بالا برد. پنج سال گذشت و در سال ۱۹۶۲ خطوط آهن مجاز شدند از اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری (GAAP) در گزارشگری مالی خود استفاده کنند و این در حالی بود که شرایط مالی بد بسیاری از آنها، که ممکن بود زودتر از آن حل شود، مانع نجات خیلی از آنها گردید. پیشنهاد اسپاچک در مورد گزارشگری مالی براساس سطح تعدیل شده قیمت و توجه به سودهای واهی، و نیاز به تعریف و حذف تورم در سال ۱۹۵۴ به صورت دادخواستی تقدیم کمیسیون بورس اوراق بهادار امریکا شد ولی کمیسیون آن را رد کرد. بعدها، هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی (FASB) در سال ۱۹۷۹ با انتشار بیانیه شماره ۳۳ با عنوان «گزارشگری مالی و تغییر قیمتتها» به این پیشنهاد عمل کرد. موفقیتهای اسپاچک در مباحثات مربوط به گزارشگری اهمیت مالی واقعی بعضی از فروشها و اجاره های مجدد در ترازنامه، چشمگیرتر بود. در سال ۱۹۶۴ زمانی که او یکی از اعضای هیئت اصول حسابداری (APB) بود، هیئت استانداردها گزارندهار بیانیه شماره ۵ را با عنوان «گزارشگری مالی اجاره در صورتهای مالی مستاجر» پذیرفت و این

اولین شماره از استانداردهای مرتبط با اجاره بود.

اسپاچک در سازمانهای حرفه ای و محلی زیادی فعالیت داشت. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ جزء هیئت اصول حسابداری انجمن حسابداران رسمی امریکا بود. در کمیته مشورتی تحقیق انجمن حسابداران رسمی امریکا و در گروه تحقیق حسابداری بروی مفروضات اساسی حسابداری، عضویت داشت و رئیس کمیته گروه تحقیق حسابداری بروی سرفقلمی بود. در بیش از ۷۰ سازمان محلی، هیئتهای آموزشی و نهادهای دولتی خدمت کرد. فهرست زیر تنوع اشتغالهای او را نشان می دهد: عضویت در هیئت اجرایی شورای ناحیه ای شیکاگو، سازمان پیشاهنگی امریکا (۱۹۶۳-۱۹۷۳)، عضو کمیته مشورتی، شورای بیمارستان شیکاگو (۱۹۶۰-۱۹۶۶)، عضو هیئت امنای شورای ایالات متحد، اتاق بین المللی بازرگانی (۱۹۶۵-۱۹۷۱)، عضو هیئت امنای دانشگاه کو (۱۹۶۲-۱۹۷۳)، رئیس دانشگاه شیکاگو سوسی (۱۹۶۷-۱۹۶۸)، مشاور در دفتر بودجه ایالات متحد، و عضویت در شورای مشورتی صنایع وزارت دفاع (۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳).

او مقاله های متعددی برای مجلات حرفه ای نوشته و بیش از ۲۰۰ سخنرانی ارائه کرده است. در ۱۹۸۶ از فرهنگستان مورخان حسابداری مفتخر به دریافت جایزه هورگلس (Hourglass) برای تالیف کتاب «رشد مؤسسه آرتور آندرسن (۱۹۲۸-۱۹۷۳)» در سال ۱۹۸۵ گردید. بسیاری از مقالات و سخنرانیهای او در ارتباط با نیاز حرفه حسابداری به تعریف هدفهای حسابداری بود. وی این هدفها را مبنایی برای حل تک تک مشکلات می دانست. او معتقد بود که هدف اصلی حسابداری ارائه اطلاعات مالی به نحو «مطلوب» برای تمام اجزای جامعه ای است که استفاده کننده این اطلاعات هستند و در مسیر اثبات این اعتقاد مجاهدت بسیار کرد.

او در شرایط و موقعیتهای زیادی

او معتقد بود که هدف اصلی حسابداری ارائه اطلاعات مالی به نحو «مطلوب» برای تمام اجزای جامعه ای است که استفاده کننده این اطلاعات هستند و در مسیر اثبات این اعتقاد مجاهدت بسیار کرد

برای رهبری برجسته و خدمات ارزنده اش تقدیر شد. یکی از حامیان تاسیس هیئت استانداردهای حسابداری صنعتی (CASB) بود و در ۱۹۷۴ اولین جایزه آن سازمان را برای خدمات ارزنده اش دریافت کرد. در سال ۱۹۶۶ مفتخر به دریافت جایزه حسابداری بنیاد آلفا کاپا پسی (Alpha Kappa Psi) و در سال ۱۹۷۳ جایزه دامن (Damen) از دانشگاه لویولا (Loyola) گردید. در سال ۱۹۷۰ نشان صلیب شوالیه را از پادشاه نروژ دریافت کرد. در سال ۱۹۵۵ به عنوان عضو افتخاری دانشگاه ایلینویز بخش بتا آلفا پسی (Beta Alpha Psi) انتخاب شد. در ۱۹۸۷ یک کرسی حسابداری به نام او در دانشکده مدیریت دانشگاه نورت وسترن تاسیس شد و در سال ۱۹۷۵ در تالار مشاهیر حسابداری پذیرفته شد.

اسپاچک در نوزدهم ژانویه ۱۹۲۹ با لیبی اسماتلن (Libbie Smatlan) ازدواج کرد. آنها صاحب دو فرزند شدند. جدیدت، پیگیری و پافشاری اسپاچک درباره مسائلی که از نظر او برای حرفه مفید بود باید به عنوان الگویی برای حسابداران حرفه ای امروز مدنظر قرار گیرد.

